

حقوق ذاتی و حقیقی

پیرو مقاله مندرج در مجله کانون وکلا شماره ۱۳۹-۱۴۰ درباره مالکیت نیروها شاید این تصور برای بعضی پیش می‌آمد که اینگونه حقوق ناشی از اختراعات و تمدن جدید و قانون مدنی ایران در موقع بحث از حقوق نسبت به آنها ساکت است و حال آنکه این پندار باطل است و هرگاه به اندیشه‌ها و اصول قانون اساسی، همچنین به حقیقت و عمق طبقه‌بندی عقود و حقوق در قانون مدنی و بطور کلی به قوانین بعد از کودتای ۱۲۹۹ و تشکیلات جدید دادگستری از سال ۱۳۰۵ و مقررات و قوانین بعد از الغای کاپیتولاسیون تاحال توجه و در آنها دقت کنیم، به سادگی و خوبی روشن میشود که هیچ ابهامی در شناخت حقوق ذاتی و حقیقی وجود ندارد.

بحث در اطراف همه این مقررات محتاج به تدوین کتاب مفصلی است که از حوصله خوانندگان محترم بیرون بوده تهیه آنرا انشاءالله با استفاده از سالها تجربه به ایام فراغت محول میدارد. فعلا در این مقاله بمنظور طرح جهتیابی کلی با استفاده از فصول قانون مدنی و حقوق ایران (اسلام) به چند موضوع و چند فقره از قوانین اشاره می‌کنم:

۱- گذشت کیفری

در مورد حقوق جزائی با اشاره به آیات متعدد کتاب آسمانی بویژه ۱۷۸، ۱۷۹ و ۲۲۴ سوره بقره استنباط میشود که بنای حقوق جزایی در اسلام، غرض‌عین (حتی در مورد قتل) و گذشت ولی دم بوده و در سایر جرائم - برای زیان دیده علاوه از قصاص، حق دیه مقرر داشته (یعنی جزای نقدی) و این شکل احکام کتاب آسمانی قرآن مجید که تمام حقوقدانان اروپا اخیراً آنرا قبول نموده‌اند، ناشی از یک حقیقت دیگری در صدر اسلام و ایام جاهلیت بوده که اقدام یکی از طوایف یک عشیره به قتل فردی از عشیره دیگر - باعث نفاق و جدال و خونریزی‌های متعدد

میشود که این معنی را در آیه ۹۰ سوره نحل منظور فرموده است.

۲- تقدم اصل لاضرر

در مورد حقوق مالی - با توجه به پنج جلد کتابی که استاد معظم و مقبول تمام حقوقدانان: دکتر موسی جوان بنام منابع حقوق با سالها زحمت تدوین نموده، در اسلام اصل لاضرر، بر اصل تسلط مقدم است؛ کما اینکه حقوق مدنی آلمان و مقررات سویس تلف مبیع قبل از قبض را از مال بایع دانسته ولی قانون مدنی فرانسه به مجرد معامله ولومبیع به قبض مشتری در نیامده باشد، تلف را از مال مشتری میدانند و ثمره این قاعده تورم دارائی و تلف سرمایه مشتری است که پول از گردش خارج میشود. و ماده ۳۶۷ و ۳۸۷ قانون مدنی ایران بالحاظ ماده ۳۰۱ قانون مدنی - قبل از قبض تلف را از مال بایع دانسته از اینرو ماده ۱۱۳۸ قانون مدنی فرانسه با مواد ۳۶۷ و ۳۸۷ قانون مدنی ایران مخالف است - اما ماده ۴۴۶ قانون مدنی آلمان با قانون ایران منطبق است.

۳- اشاره به چند قانون

حال با توجه به دواصل مزبور - که جهت یابی - کلی برای شناختن حقوق ذاتی و طبیعی و حقوق عمومی است، به چند قانون اشاره می‌کنم:

الف - اولین قانون که مرحوم داور بعد از تشکیل دادگستری جدید پیشنهاد و بنا به اعتبار ماده و اخده با تصویب کمیسیون اجرا شد، قانون مواعد و ودایع در ۱۴ ماده بود که تمام مواعیدی که قبلا ۱۵ روز و ۲۱ روز و یک ماه (اعتراض - استنیاف - اعاده فرجام) بود، در کلیه امور کیفری و مدنی یکسان و ۱۰ روز قرارداد و تکلیف پژوهشخواه و فرجامخواه که قبلا تودیع ۴٪ و ۵٪ بود، لغو نموده و در مقام توضیح بنمایندگان استدلال نمود که هرگاه محکوم نتواند در بدو امر تودیع کند، فرضاً حکم صادره با حق منطبق نباشد، آیا باید از عدالت محروم شود؟

ب - بعداً قانون آزمایشی را گذرانده، مواد ۱ تا ۱۵۰ اصول محاکمات حقوقی را مربوط به صلاحیت امین صلح و فقیه صلح را باعتبار خود باقی گذارده و شکل رسیدگی در دادگاه شهرستان را تبادل لوایح مقرر داشته - و در سال ۱۳۰۹ قانون تسریع محاکمات را به مجلس پیشنهاد نمود؛ تا سال ۱۳۱۸ (تدوین آئین دادرسی) ۱۶ فقره قوانین قبلی لغو شد.

یگانه اصلاحی که در ماده ۱۴۵ اصول محاکمات بعمل آمد آنکه موارد صلاحیت دادگاه شرع و فقیه صلح نامحدود بود آنرا به ۳ مورد (نکاح - طلاق - نسب) تقلیل داد - و در اجرای مقررات مزبور قانون محاکم شرع را پیشنهاد نمود که در ماده ۷ آن تعیین قیم و رسیدگی به وصایت را بدادستان محول نمود. بهمین جهت بود که در قانون امور حسبی - رسیدگی بامور حسبی در دادگاه

بخش وفوری مقرر گردید مگر اختلاف در باب وصیت و حقوق ورثه و موصی لهم، البته پیروی سناتور دفتری در تدوین قانون امور حسبی و ارجاع قسمتهای مربوط به حجرو وصیت بدادگاه شهرستان پیروی از جلد سوم قانون مدنی و تبصره ماده ۲۲ قانون ثبت بود.

با توجه به دو قسمت مزبور روشن میشود که بعد از تشکیلات جدید دادگستری - وزیر مسئول به اصل احترام به حقوق ذاتی و طبیعی و حقوق مدنی و اصل احترام به اینکه باید تمام روابط حقوقی جامعه در محدوده حقوق اسلام و قانون مدنی باشد، عنایت داشته‌اند. بهمین نسبت که محدودیت قایل شده، بهمین نسبت در ماده ۹۵۹ جلد دوم قانون مدنی - حتی خود صاحب حق بهیچوجه نمی - تواند خود را محروم کند و این مطلب از اصول ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ قانون متمم قانون اساسی و مقررات مربوط به قوه قضائی گرفته شده است.

۴- تخلیه محل پیشه و کسب - خانه

چنانچه فوقاً اشاره شده، بعد از آنکه قوانین امور حسبی، آئین دادرسی مدنی و جلد دوم و سوم قانون مدنی تهیه و به تصویب رسید، وزیرای بعد - به اصل احترام و تفکیک حقوق ذاتی و حقیقی و حقوق عمومی توجه داشته و اصل لاضرر را ملحوظ داشته‌اند و از باب تأیید و نشانه: مواد ۶۷۶ تا ۶۸۰ آئین دادرسی که رسیدگی بدعوی تخلیه محل پیشه و کسب و نیز رسیدگی بدعای زناشویی و اختلافات خانوادگی را در صلاحیت دادگاه شهرستان و ارجاع بدآوری قرار داده بود، در این مورد به طرح مربوط به دعوی تخلیه محل پیشه و کسب ایراد شد که این مقررات مخالف اصل (الناس مسلطون) میباشد. شادروان سناتور متین دفتری وزیر دادگستری وقت که قانون تعدیل را در ۱۳۱۵ به مجلس پیشنهاد نمود - و همین ایراد را بوی نموده بودند - جواب داد در اینمورد در مقام طرح قانون تعدیل پاسخ داده شده و مورد تصویب مجلس واقع شده، و استدلال نمود که:

دولت اجازه نمیدهد یک نفر صدها خانه داشته و این خانه‌ها در محدوده حکومت دموکراسی و قانون اساسی باشد و از احتیاج مردم به زیان رفاه اجتماعی سوء استفاده کند که اینجانب استدلال داور را در پیشنهاد قانون ثبت ۱۳۰۷ و اینکه مشتری شرطی در صورت تفاوت یک خمس - فقط باید اصل ثمن و خسارت تأخیر تأدیه را در ثبت از قرار ۱۲٪ و در محاکم ۱۵٪ بپردازد، تأیید می‌نماید.

به این قانون و ماده مرور زمان آن اشکال نمودند که نزول در شرع حرام است. به ماده ۱۰ و ۴۶۴ قانون مدنی استناد و جواب داد این مقررات کاملاً با حقوق اسلام منطبق است - و هرگاه قبل از تشکیلات جدید قانون مرور زمان که از طرف مرحوم فاطمی وزیر دادگستری وقت داده شده و ایراد شده بود - جلد اول قانون مدنی تصویب نشده بود.
